

## نقد و ارزیابی گزارش ابن طاووس از پوشش حضرت زهرا علیها السلام بر پایه دعای «نور»

حسن اصغر پور<sup>۱</sup>

### چکیده

حجاب و عفاف یکی از آموزه‌های ارزنده ادیان الهی است. افزون بر قرآن کریم، در سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و سیره اهل بیت علیهم السلام نیز به روشنی اهمیت و نقش این ارزش دینی تبیین شده است. هر چند در باره نوع و میزان پوشش شرعی برآمده از متون دینی، میان عالمان اختلافاتی وجود دارد، اما نه تنها هیچ گاه در سیره خاندان وحی، نمودی از تساهل و سطحی‌نگری در مقوله حجاب و عفاف به چشم نمی‌خورد، بلکه گفتار و رفتار آنان همواره مشوق پاسداری از مرزهای عفاف و حیا و پای‌بندی به پوشش اسلامی بوده است. در این میان، برخی با تکیه به برخی گزارش‌های منقول در منابع روایی متأخر، بر تساهل و انعطاف خارج از معمول دین در مسأله پوشش (حجاب) حکم رانده‌اند. بررسی و ارزیابی سه گانه منبعی، متنی (دلالتی) و سندی این گزارش‌ها و گاه روایات، با بهره‌گیری از حقایق تاریخی، از نادرستی بخش‌هایی از آنها پرده برمی‌دارد. از این رو، صرف نقل در منابع روایی مشهور، دلیلی بر راستی محتوا نیست و شایسته است برای آگاهی از حکم دقیق اسلام در مسائل مختلف دینی (از جمله حجاب)، با بهره‌گیری از ابزار و روش‌های علمی، اصل و میزان اعتبار این دست گزارش‌ها را مورد ارزیابی قرار داد.

کلیدواژه‌ها: حضرت زهرا علیها السلام، سلمان فارسی رضی الله عنه، حجاب، ابن طاووس، دعای نور.

### مقدمه

حجاب از جمله آموزه‌های اسلامی است که حکم آن در آغازین سوره‌های نازل شده در مدینه تشریح شده است. در آیات مربوط به این موضوع در قرآن، نه تنها به مصادیق محرمان و

۱. استادیار گروه قرآن و حدیث دانشگاه شاهد (hsnasr21@yahoo.com)

نامحرمان اشاره شده، بلکه نحوه و میزان پوشش زنان در برابر نامحرمان نیز به ظرافت بیان شده است. آنچه از بررسی آیات مرتبط با این حکم شرعی به دست می‌آید، آن است که در نخستین آیات تشریح این حکم، همسران (خانواده) رسول خدا ﷺ مورد خطاب قرار گرفته‌اند. از آغازگری بیان این حکم با خطاب قرار دادن همسران پیامبر ﷺ در سوره احزاب، چنین برمی‌آید که نزدیکان و خانواده آن حضرت به عنوان الگو، در رعایت حکم یاد شده بر دیگران ارجح‌اند.<sup>۲</sup> در میان خانواده و خویشان رسول خدا ﷺ نیز دخت طاهره، حکیمه و معصومه آن حضرت، یعنی حضرت زهرا علیها السلام در عمل به حکم یاد شده اولویت دارد. به تصریح برخی پژوهش‌گران معاصر، هر چند در تاریخ و سیره پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام حتی یک مورد هم اجرای حد شرعی برای بدحجابی و نیز اجبار بر حجاب نقل نشده، اما بر لزوم پوشش تأکید شده است.<sup>۳</sup>

نوشتار حاضر در صدد تعیین حد شرعی یا حد قانونی پوشش زنان نیست، بلکه با علم بر تأکید معارف دینی (اعم از قرآن و روایات) بر آن است تا انگاره انتساب تسامح را در پوشش (حجاب) به پیشگامان و اسوه‌های دین‌داری، همچون حضرت زهرا علیها السلام به نقد کشد. اندیشه و رفتار حضرت زهرا علیها السلام به گونه‌ای بود که به تصریح پدر، سرور [والگوی] زنان جهان معرفی شد<sup>۴</sup> و گفتار و رفتار او در همه عرصه‌ها اسوه و سرمشق زنان است.

با این همه و با وجود شواهد و قراین روایی و تاریخی بسیار در تأیید این حقیقت، در گزارشی منقول در پاره‌ای منابع روایی، رفتاری به آن حضرت نسبت داده شده که سیره اعتقادی و عملی خاندان وحی همخوانی ندارد. برخی با استناد به چنین گزارش‌ها و روایاتی و نیز تأکید بر وجود آن در مصادر روایی مشهور شیعه، در رعایت مرز پوشش اسلامی به تساهل خارج از عرف باور دارند.

از این گذشته، در برخی آثار پژوهشی نشر یافته در سال‌های اخیر، با اعتماد به این گزارش و دیگر روایات مشابه نادر، مرز حجاب (پوشش) حضرت زهرا علیها السلام را فقط تا حد ستر اندام دانسته‌اند؛<sup>۵</sup> در حالی که یکایک این گزارش‌ها و روایات هر چند محدود، به دلیل تناقض‌های درونی و نیز تعارض بیرونی با روایات حاکی از پای‌بندی فراتر از عرف حضرت

۲. سوره احزاب، آیه ۳۲-۳۳.

۳. حجاب تکلیف یا قانون.

۴. حلیة الأولیاء، ج ۲، ص ۴۰.

۵. برای آگاهی بیشتر، رک: حجاب شرعی در عصر پیامبر ﷺ، ص ۲۶۴.

زهرا علیها السلام به پوشش (حجاب)،<sup>۶</sup> از سه جنبه منبع، محتوا و سند جای نقد و ارزیابی دارند؛ با وجود آن که صاحبان جوامع حدیثی پسینی (متأخر و معاصر)، تنها به نقل و عدم نقد آنها بسنده کرده‌اند.

با این وصف، پژوهش حاضر، به بررسی وضعیت منبعی، دلالتی و سندی گزارش سید بن طاووس خواهد پرداخت که در آن از وضعیت پوشش حضرت زهرا علیها السلام سخن به میان آمده و محتوای آن با عصمت آن حضرت و نیز دیگر روایات مصرح در پوشش فراتر از انتظار ایشان ناسازگار است. هر چند نقل چنین گزارش‌هایی در مصادر علمی و روایی شیعه همچون *مهج الدعوات* و *بحار الأنوار*، در نگاه نخست، برای عامه مردم و نه پژوهش‌گران حوزه دین، اعتمادی اجمالی از صحت مضمون را برای خواننده به همراه دارد، اما بررسی منبعی، دلالتی و سندی آن با کمک منابع تاریخی و سیره، نتیجه‌ای متفاوت در پی دارد. در ادامه، ضمن اشاره به گزارش یاد شده، از رهگذر مصدربابی آن در مصادر کهن و نیز بررسی نقل‌های مشابه در دیگر منابع روایی، در باره صحت یاد عدم صحت آن داوری خواهد شد.

### مشروح گزارش

گزارشی که محور پژوهش حاضر بر آن استوار است، در کتاب *مهج الدعوات* و *منهج العبادات* سید بن طاووس (رضی‌الدین علی بن موسی) (م ۶۶۴ق) و تحت عنوان «حرز آخر لمولاتنا فاطمه علیها السلام» آمده که در مصادر مکتوب معاصر، به دعای «نور» مشهور است. در این گزارش، حضرت علیها السلام به سلمان فارسی رضی الله عنه وعده پاداشی بهشتی داده و نیز در پایان حرزی را آموخته که در رفع عارضه «تب» نافع بوده است. در ادامه، نیمه نخست متن گزارش - که بخش‌های مورد بحث را در خود جای داده - از نظر خواهد گذشت:

عن الشيخ علی بن عبدالصمد، قال: أخبرنا الشيخ جدي، قال: أخبرنا الفقيه أبو الحسن رضی الله عنه، قال: حدثنا السيد الشيخ العالم أبو البركات علی بن الحسين الحسنی الجوزی، قال: حدثنا الشيخ أبو جعفر محمد بن علی بن الحسين بن موسی بن بابويه القمی الفقیه - قدس الله روحه - قال: حدثنا الحسن بن محمد بن سعید الكوفی، قال: حدثنا فرات بن إبراهيم، قال: حدثنا جعفر بن محمد بن بشرویه القطان، قال: حدثنا محمد بن إدريس بن سعید الأنصاری، قال: حدثنا داود بن رشید و الولید بن شجاع بن مروان، عن عاصم، عن

۶. نمونه‌ای از این دست روایات، بر پایه گزارش حضرت سجّاد رضی الله عنه ذیل عنوان پوشش حضرت زهرا علیها السلام، ذکر خواهد شد.

عبدالله بن سلمان الفارسی، عن أبيه قال:

خرجت من منزلي يوماً بعد وفاة رسول الله ﷺ بعشرة أيام، فلقيني علي بن أبي طالب عليه السلام ابن عم الرسول ﷺ فقال لي: يا سلمان! جفوتنا بعد رسول الله ﷺ، فقلت: حبيبي أبا الحسن! مثلكم لا يجني غيراً حزن على رسول الله ﷺ طال فهو الذي منعني من زيارتكم. فقال عليه السلام لي: يا سلمان! أتت منزل فاطمة بنت رسول الله ﷺ فأتها إليك مشتاقاً، تريد أن تتحفك بثحفة قد أتحفت بها من الجنة، قلت لعل عليه السلام قد أتحفت فاطمة عليها السلام بشيء من الجنة بعد وفاة رسول الله ﷺ؟ قال: نعم بالأمس. قال سلمان الفارسي: فهرولت إلى منزل فاطمة عليها السلام بنت محمد عليه السلام فإذا هي جالسة وعليها قطعة عبا إذا حمرت رأسها انحلى ساقها، وإذا غطت ساقها انكشف رأسها، فلما نظرت إليّ اعتجرت، ثم قالت: يا سلمان! جفوتني بعد وفاة أبي عليه السلام. قلت: حبيبتي! لم أجفكم؟ قالت: فه اجلس واعقل ما أقول لك. إني كنت جالسة بالأمس في هذا المجلس و باب الدار مغلق وأنا أفكر في انقطاع الوحي عنا وانصراف الملائكة عن منزلنا، فإذا انفتح الباب من غير أن يفتحه أحد فدخل على ثلاث جوار لم يرالراؤون بحسنهن ولا كهيتتهن ولا نضارة وجوههن ولا أزكى من ريجهن، فلما رأيتهن قمت إليهن مستنكرة لهن، فقلت بأبي أنتن من أهل مكة أم من أهل المدينة؟...<sup>٧</sup>

ده روز پس از رحلت رسول خدا ﷺ از خانه خارج شدم. علی عليه السلام پسر عموی رسول خدا ﷺ مرا دید و گفت: سلمان، پس از رسول خدا به ما جفا کردی. گفتم: محبوب من یا ابا الحسن، چون شمایی را جفا نسزد. غم دوری رسول خدا ﷺ بر من دراز گشت و مرا از دیدار شما بازداشت. حضرت فرمود: سلمان، نزد فاطمه عليها السلام دختر رسول خدا ﷺ برو که او مشتاق [دیدار] توست و می خواهد هدیه ای بهشتی به تو دهد. به علی عليه السلام گفتم: برای فاطمه عليها السلام پس از رسول خدا ﷺ، از بهشت هدیه رسیده است؟ حضرت فرمود: بله روز گذشته. سلمان رضی الله عنه گوید: با شتاب خود را نزد فاطمه عليها السلام رساندم، دیدم آن حضرت نشسته و بر روی خود قطعه ای پارچه کشیده که اگر بدان سر خود را می پوشاند، پای آن حضرت پدیدار می شد و اگر پای خود را می پوشاند، سرش پیدا می شد. چون مرا دید، خود را پوشاند، سپس فرمود: سلمان، پس از پدرم به من جفا نمودی. گفتم: سرورم، به شما جفا نکردم. فرمود: ساکت بنشین و خوب به آنچه می گویم بیندیش. دیروز همین جا نشسته بودم و در خانه بسته بود، به انقطاع وحی و کوچ فرشتگان از خانه مان می اندیشیدم که ناگاه در گشوده شد، بی آن که کسی آن را

٧. مهج الدعوات و منهج العبادات، ص ١٧ و ١٨.

بگشاید. سپس سه کنیز بر من درآمدند که کسی تا کنون [آفریده‌ای] به زیبایی، حُسن اندام و خرمی چهره‌شان ندیده و به خوشی [و دلربایی] رایحه‌شان تجربه نکرده است. چون آنها را دیدم، غریبه‌شان انگاشتم، برخواستم و گفتم: پدرم به فدایتان اهل مکه آید یا اهل مدینه؟ ...

### ارزیابی منبعی گزارش

توجه به قراین منبعی از جمله روش‌های عالمان و محدثان متقدم شیعه در ارزیابی روایات بوده است. قراین منبعی هم در توثیق روایات و هم در تضعیف آنها کاربرد داشته است؛ برای نمونه شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) بر اساس همین معیار به ارزش‌گذاری روایات کتاب *الفقیه* پرداخته است.<sup>۸</sup> نظریه نقش و اهمیت این معیار در ارزیابی روایات و آثار، مصدربابی روایت فوق در آثار کهن و متأخر از نظر خواهد گذشت.

### انعکاس گزارش ابن طاووس در منابع روایی متأخر

پیش از بررسی مدلول گزارش، شایسته است نخست آن را در دیگر منابع روایی کهن و متأخر مصدربابی کرده و سپس به مقایسه آن با نسخه منقول از سوی ابن طاووس پردازیم. لازم به ذکر است گزارش‌های موجود در منابع روایی تفاوت‌های آشکاری دارند که برای نمایاندن آن بر اساس ترتیب نسبی تاریخی (از دوران متأخران به دوران متقدمان) به هریک از آنها اشاره خواهد شد.

علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) در سه مجلد از کتاب *بحار الأنوار* روایت مذکور را نقل کرده است. نقل‌های وی از گزارش یاد شده در هر سه جایگاه یکسان نیست. او در دو جای *بحار الأنوار*<sup>۹</sup> روایت را از *مهج الدعوات* ابن طاووس آورده و در بخش «بیان» ذیل روایت، جز شرح مختصر برخی واژگان و عبارات، در باره محتوای روایت سکوت پیشه کرده و تحلیل یا نقدی بر محتوای آن ندارد. سومین گزارش مجلسی از روایات یاد شده در جلد ۲۲ *بحار الأنوار*<sup>۱۰</sup> آمده است که با دو گزارش پیشین تفاوت دارد. مرحوم مجلسی، در گزارش سوم، روایت را از

۸. و جمیع ما فیه مستخرج من کتب مشهوره، علیها المَعْل و إلیها المرجع، مثل کتاب خریز بن عبدالله السجستانی و کتاب عبیدالله بن علی الحلبي ... (من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳).

۹. ج ۴۳، ص ۶۶؛ ج ۳، ص ۳۷.

۱۰. ص ۳۵۲.

ابوعمر و کثی نقل کرده که با محتوای روایت ابن طاووس تفاوت بسیاری دارد.<sup>۱۱</sup> میرزا حسین نوری (م ۱۳۲۰ق) در *نفس الرّحمان فی فضائل سلمان*، به روایت کثی در این باره اشاره کرده است. همودر ادامه، این روایت را از سید بن طاووس نیز نقل کرده، اما تحلیلی از محتوای روایت و علت تفاوت این دو نقل ندارد.<sup>۱۲</sup> شیخ عباس قمی (م ۱۳۵۹ق) نیز در *منازل الآخرة والمطالب الفاخرة*<sup>۱۳</sup> این گزارش را بدون نقد و بررسی، از سید بن طاووس نقل کرده است. جعفر مرتضی عاملی نیز در *سلمان الفارسی فی مواجهة التحدی*<sup>۱۴</sup> هر چند به بخشی از گزارش مذکور اشاره داشته، اما به اختلاف نقل ها در گزارش متن و نقد یا تحلیل آن پرداخته است.

آن گونه که گذشت، در منابع متأخر، از مجلسی تا دوران معاصر، بیشتر به نقل گزارش ابن طاووس بسنده شده و هیچ گاه به نقد و تحلیل محتوا یا سند گزارش او پرداخته نشده است. شاید رویکرد هر یک از عالمان متأخر یاد شده در تکیه بر نقل (گردآوری) صرف روایات با هدف حفظ یا انتقال آنها به آیندگان، مهم ترین توجیه این مسأله باشد، اما با توجه به اشکالات انکارناپذیر گزارش ابن طاووس، می توان گفت که عالمان معاصر با نقل صرف آن یا در نقد و ارزیابی آن تسامح ورزیده اند و یا اشکالات یاد شده از دید آنان پنهان مانده است.

### مصدریابی گزارش در منابع روایی کهن

از آن جا که محور بررسی پژوهش حاضر نقل ابن طاووس از دیدار سلمان رضی الله عنه با حضرت زهرا رضی الله عنها است، مراد از مصادر کهن در پژوهش حاضر، منابع روایی پیش از اوست که به نقل گزارش فوق پرداخته اند. در نگاه نخست و با جست و جوی عبارات مندرج در گزارش سید بن طاووس (م ۶۶۴ق)، برای این روایت مصدری کهن تر از *مهج الدعوات*، یعنی قرن هفتم یافت نمی شود. هر چند در سند روایت، نام شیخ صدوق به عنوانی یکی از راویان طبقات اولیه روایت به چشم می خورد، اما در هیچ یک از آثار موجود شیخ صدوق، چنین روایتی، حتی با مضمون مشابه، نقل نشده است، حتی در آنچه اخیراً با هدف بازسازی کتاب *مدینه العلم صدوق تحت عنوان «ما وصل إلینا من کتاب مدینه العلم»* از سوی عتبه عباسیه نشر

۱۱. متن گزارش کثی از روایت، در صفحات بعدی خواهد آمد.

۱۲. ص ۳۳۶-۳۳۸.

۱۳. ص ۲۹۹.

۱۴. ص ۱۸.

یافته نیز اثری از این گزارش نیست.<sup>۱۵</sup> با این همه، روایاتی با تعبیر متفاوت، اما مضمون نسبتاً مشابه در منابع کهن تراز ابن طاووس نیز وجود دارد. جستارهای صورت گرفته در پژوهش حاضر پنج نقل را در منابع کهن به دست داد که در ادامه، ضمن اشاره گذرا بدان‌ها، اختلاف محتوا و در نتیجه دلالت‌های هر یک بررسی خواهد شد.

### ۱. نقل قطب راوندی (م ۵۷۳ق)

قطب‌الدین راوندی در *الخرائج والجرائج*<sup>۱۶</sup> گزارش مذکور را با اندکی تفاوت و به صورت مرسل (بدون سند) نقل کرده است:

إِنَّ سَلْمَانَ قَالَ: خَرَجْتُ إِلَى فَاطِمَةَ، فَقَالَتْ: جَفَوْتُمُونِي بَعْدَ وِفَاةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ. ثُمَّ قَالَتْ: اجْلِسْ، فَجَلَسْتُ...

گذشته از ارسال سندی نقل قطب راوندی، تنها مشکل متنی روایت، سخن از جفای سلمان به اهل بیت علیهم السلام است و از نحوه پوشش حضرت زهرا علیها السلام سخنی به میان نیامده است.

### ۲. نقل ابن حمزه طوسی (قرن ۵ و ۶)

عمادالدین طوسی در *الثاقب فی المناقب* با سندی متفاوت از دو سند پیشین، مضمونی نسبتاً مشابه نقل قطب راوندی را گزارش کرده است که با توجه به تشابه نسبی، از نقل آن در متن خودداری می‌شود.<sup>۱۷</sup> نقل طوسی نیز همچون راوندی دچار انقطاع سند است. گزارش وی از دیدار سلمان رضی الله عنه با حضرت زهرا علیها السلام، همچون نقل پیشین، با وجود ذکر جفای سلمان به اهل بیت علیهم السلام، نسبت به نحوه پوشش حضرت زهرا علیها السلام مسکوت است.

۱۵. برای آگاهی بیشتر، رک: *ما وصل إلینا من کتاب مدینة العلم*، مراجعة: مرکز احیاء التراث التابع لدار مخطوطات العتبة العباسية المقدسة، کربلا: مکتبه و دار مخطوطات العتبة العباسية المقدسة، ۱۴۳۷ق.

۱۶. *الخرائج والجرائج*، ج ۲، ص ۵۳۳.

۱۷. عن عاصم بن الأحول، عن زر بن حبیش، عن سلمان الفارسی رضی الله عنه، قال: خرجت من منزلی یوماً بعد وفاة رسول الله ﷺ فلقینی علی بن أبی طالب رضی الله عنه، فقال لی: «یا سلمان، جفوتنا بعد وفاة رسول الله ﷺ؟»... فقال لی: یا سلمان، ائت منزل فاطمة فإنها إلیک مشتاقَةٌ وترید أن تتحفک بتحفة قد أتحت بها من الجنة... قال: فهولت هرولة إلی منزل فاطمة علیها السلام وقرعت الباب فخرجت إلی فضاة فأذنت لی فدخلت وإذا فاطمة جالسة وعلیها عباءة قد اعتجرت بها واستترت *(الثاقب فی المناقب)*، ص ۲۹۷، ۳۰۰.

### ۳. نقل فتال نیشابوری (م ۵۰۸ق)

محمد بن حسن فتال نیشابوری نیز در *روضه الواعظین*<sup>۱۸</sup> با حذف سند، همین گزارش را به واسطه امام صادق علیه السلام از امام علی علیه السلام نقل کرده است. از مقایسه نقل نیشابوری با نقل کشی - که در ادامه از نظر خواهد گذشت - روشن می شود که این دو گزارش بی هیچ کاستی و فزونی همانندند. از این رو، باید گفت گزارش فتال نیشابوری، نقل بدون سند گزارش کشی از ماجراست.

### ۴. نقل ابوعمرو کشی (ح ۳۴۰ق)

یکی از کهن ترین نقل هایی که در مصادر روایی شیعی برای این ماجرا در دست است، گزارش رجالی معروف شیعه ابوعمرو کشی است. گزارش کشی مختصرترین نقل در این باره است. از این رو، به صورت کامل بدان اشاره خواهد شد:

روی جعفر غلام عبدالله بن بکیر، عن عبدالله بن محمد بن نهبک، عن النصبی، عن ابي عبدالله علیه السلام قال: قال أمير المؤمنين علیه السلام: يا سلمان! اذهب إلى فاطمة علیها السلام فقل لها تُتجفك من حُف الجَنَّة؟ فذهب إليها سلمان فإذا بين يديها ثلاثُ سلالٍ،<sup>۱۹</sup> فقال لها: يا بنت رسول الله! أتُحفيني (خ: أتُتحفيني)؟ قالت: هذه ثلاثُ سلالٍ جاءتنی بها ثلاثُ وصائف،<sup>۲۰</sup> فسألتهن عن أسمائهن فقالت واحدة: أنا سلمی لسلمان، وقالت الأخرى: أنا ذرةٌ لأبي ذرٍّ، و قالت الأخرى: أنا مقدودةٌ للمقداد، ثم قبضت فناولتنی، فما مررتُ بملاٍ إلا مُلئوا طيباً لريحها.<sup>۲۱</sup>

روایت کشی از این گزارش تنها در آغاز متن، با گزارش های پیشین اشتراک دارد. از شکوه امام علی علیه السلام نسبت به سلمان رضی الله عنه در آن خبری نیست، جزئیات دیدار سلمان با حضرت زهرا علیها السلام در آن گزارش نشده، از نحوه پوشش حضرت زهرا علیها السلام سخنی به میان نیامده است و آموزش دعای «نور» در آن گزارش نشده است. فراتر از همه، ارزش این روایت در مقایسه با گزارش های پیشین در آن است که اولاً از امام صادق علیه السلام نقل شده، در حالی که در دیگر گزارش ها، نامی از امام معصوم، به عنوان یکی از روایان ماجرا به چشم نمی خورد و ثانیاً پیشینه ای سه قرن کهن تر از نقل ابن طاووس دارد.

۱۸. ص ۲۸۲.

۱۹. السَّلِيلَةُ بنت الرِّجْلِ من صُلْبِهِ (لسان العرب، ج ۱۱، ص ۳۳۹).

۲۰. الوصيف: العبد و الأمة و صيغة (همان، ج ۹، ص ۳۵۷).

۲۱. اختيار معرفة الرجال (رجال الكشي)، ج ۱، ص ۳۹.



## ۵. نقل ابن جریر طبری شیعی (قرن ۴)

محمد بن جریر بن رستم طبری شیعی، در کتاب *دلائل الإمامة*،<sup>۲۲</sup> روایتی مشابه با نقل کشی، اما با سندی متفاوت نقل کرده که آن نیز مشکل دلالی و محتوایی گزارش ابن طاووس را ندارد:

روی علی بن الحسن الشافعی، قال: حدثنا يوسف بن يعقوب القاضي، قال: حدثنا محمد بن الأشعث، عن محمد بن عوف الطائي، عن داود بن أبي هند، عن ابن أبيان، عن سلمان - رضي الله عنه - قال: كنت خارجاً من منزلي ذات يوم بعد وفاة رسول الله ﷺ، إذ لقيني أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام، فقال: مرحباً يا سلمان، صرالي منزل فاطمة بنت رسول الله، فإنها إليك مشتاقه، وإنما قد أتحت بتحفة من الجنة، تريد أن تتحفك منها. قال سلمان: فضيت إليها فطرقك الباب فاستأذنت فأذنت لي بالدخول فدخلت، فإذا هي جالسة في صحن الحجرة، عليها قطعة عباءة...<sup>۲۳</sup>

در نقل طبری از ماجرا، چند نکته درخور تأمل است: اولاً، پیشینه‌ای سه قرن کهن‌تر از نقل ابن طاووس دارد؛ ثانیاً، در سلسله سند آن، نامی از شیخ صدوق دیده نمی‌شود؛ ثالثاً، در متن روایت، با وجود اشاره به نوع پوشش حضرت زهرا علیها السلام، نشانی از وهن در پوشش آن حضرت، آن گونه که در جزئیات روایت ابن طاووس گزارش شده بود، به چشم نمی‌خورد؛ رابعاً، در این گزارش، نه تنها سخنی از جفای سلمان نسبت به اهل بیت علیهم السلام نیز دیده نمی‌شود، بلکه امام علی علیه السلام با عبارت «مرحباً یا سلمان» از او به نیکی یاد کرده است.

### جمع بندی

نقل کشی و طبری کهن‌ترین گزارش‌های موجود در این ماجراست و جست و جودر منابع کهن دیگر، هیچ متن مشابهی را به دست نمی‌دهد. در گزارش کشی و طبری بخش پایانی ماجرا، یعنی آموزش دعای «نور» وجود ندارد؛ در حالی که در برخی دیگر از گزارش‌های کهن تنها به نقل بخش پایانی ماجرا، یعنی آموزش دعای «نور»، بسنده شده است.<sup>۲۳</sup> پیش‌تر اشاره شد که با وجود نام شیخ صدوق در سلسله سند گزارش ابن طاووس، در آثار موجود شیخ صدوق، هیچ نشانی از گزارش فوق مشاهده نمی‌شود. از این رو، می‌توان گفت براساس اعتبار و اصالت منبع و با در نظر داشتن قدمت نقل، نقل کشی و طبری بردیگر گزارش‌های

۲۲. ص ۱۰۸، ۱۰۷.

۲۳. برای نمونه می‌توان از قطب راوندی (م ۵۷۳ق) در *الدعوات (سلوة الحزین)*، ص ۲۰۸ و حسن بن فضل طبرسی در *مکارم الأخلاق*، ص ۴۱۸ یاد نمود.

پسینی برتری دارد. نقل این دو، آن گونه که در ادامه بدان اشاره خواهد شد، اشکالات دلالتی گزارش‌های پس از خود را ندارد.

### نقد متنی (دلالتی) گزارش

محتوای برخی بخش‌های منقول در پاره‌ای گزارش‌ها، با آموزه‌های قرآنی، سنت نبوی و سیره‌خاندان وحی علیه‌السلام همخوان نیست. بهره‌گیری از حقایق دینی مصرح در قرآن و روایات و نیز سیره‌اهل بیت علیهم‌السلام، معیاری مناسب در ارزیابی روایات و گزارش‌ها دآوری در باره درستی یا نادرستی محتوای آنهاست. از آن جا که نگاه سندی محض به روایات، به دلیل پنهان بودن قراین صحیح‌ت‌قدمای برای ما و...، نگاهی جامع نیست، با کمک نقد دلالتی، از اصالت بخشی به نگاه سندی صرف خودداری می‌شود. از این رو، در ارزیابی روایات منقول در جوامع روایی کهن، شایسته است در درجه اول، محتوا و مضمون آنها مورد ارزیابی قرار گیرد، میزان انطباق آنها با آموزه‌های قرآنی و روایی و سنت نبوی و سیره‌خاندان وحی بررسی شود و از گزارش‌های تاریخی معتمد بسان قرینه‌ای در دآوری‌ها بهره گرفته شود. براین پایه، در تحلیل گزارش‌های متفاوت یاد شده از منابع متأخر و کهن، گذشته از ارزیابی منبعی که بدان اشاره شد، ابتدا با معیارهای پیش‌گفته پیش‌خواهیم رفت و سپس نیم‌نگاهی به تحلیل و ارزیابی وضعیت سندی گزارش خواهیم داشت.

### جفای سلمان رضی الله عنه به اهل بیت علیهم‌السلام

در بخش آغازین برخی گزارش‌ها از ماجرا، از جفای سلمان رضی الله عنه نسبت به خاندان وحی سخن به میان آمده که با کمک ادله نقلی و حقایق تاریخی ناسازگار است. سلمان فارسی رضی الله عنه یا به فرموده صادقین علیهم‌السلام سلمان محمدی،<sup>۲۴</sup> اسوه وفا و دین‌داری بود که همراه خلوت‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خوانده شده است؛<sup>۲۵</sup> همواره نام و یاد او بر زبان اهل بیت علیهم‌السلام بود؛<sup>۲۶</sup> محدثی<sup>۲۷</sup> راست‌آیین که خواست امیر مؤمنان علیه‌السلام را برخواست خویش برگزید؛<sup>۲۸</sup> حکیمی که

۲۴. اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۵۴؛ الأمالی (طوسی)، ص ۱۳۳؛ بشارة المصطفی، ص ۴۱۱؛ روضة الواعظین، ص ۲۸۳.

۲۵. وروینا عن عائشة - رضی الله عنها - قالت: کان لسلمان مجلس من رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ینفرد به باللیل حتی کاد یغلبنا علی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم (الاستیعاب، ج ۲، ص ۶۳۶؛ أسد الغابة، ج ۲، ص ۳۳۱).

۲۶. الأمالی (طوسی)، ص ۱۳۳.

۲۷. الحسن بن منصور، قال: قلت للصادق علیه‌السلام: أکان سلمان محدثاً؟ قال: نعم. قلت: من یحدّثه؟ قال: ملک کریم...

(اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۷۲).

به فرموده امام علی علیه السلام همه علوم را می دانست، دریایی بی کران بود<sup>۲۹</sup> و بهشت در انتظار دیدار اوست. <sup>۳۰</sup> سلمان از اندک شمارانی بود که به فضیلت «متأهل البيت» شرف یافت؛ حقیقتی که در منابع روایی فریقین<sup>۳۱</sup> و نیز مصادر تاریخی<sup>۳۲</sup> و رجالی<sup>۳۳</sup> بدان تصریح شده است.

دو بخش از گزارش سید بن طاووس در روایت مورد بررسی، با شأن و سیره سلمان رضی الله عنه ناسازگاری دارد: یکی جفای به اهل بیت علیهم السلام و دیگر، گزارش او از نحوه پوشش حضرت زهرا علیها السلام.

جای این پرسش باقی است که چرا کسی که به خاندان وحی جفا کرده، شایسته بهره مندی از لطف الهی مذکور در روایت است؟! ذکر جفای شخص نسبت به اهل بیت علیهم السلام با وعده به بهره از لطف خاص الهی سازگاری ندارد. از این رو، پذیرش صدور تعبیر «جفوتنا» به معنای دقیق واژه،<sup>۳۴</sup> با جایگاه ویژه سلمان رضی الله عنه نزد اهل بیت علیهم السلام ناسازگار است.<sup>۳۵</sup> امام

۲۸. عن منصور بزرج، قال: قلت لأبي عبد الله الصادق عليه السلام: ما أكثر ما أسمع منك يا سیدی ذکر سلمان الفارسی! فقال: لا تقل الفارسی، ولكن قل سلمان المحمدی، أتدری ما کثرة ذکری له؟ قلت: لا. قال: لثلاث خلال: أحدها: إیثاره هوی أميرالمؤمنین عليه السلام علی هوی نفسه، والثانية: حبه للفقراء واختیاره إیثارهم علی أهل الثروة والعدد، والثالثة: حبه للعلم والعلماء، إن سلمان كان عبداً صالحاً حنیفاً مسلماً وما كان من المشرکین (الأمالی (طوسی)، ص ۱۳۳؛ بشارة المصطفی، ص ۴۱۱).

۲۹. علم العلم الأول والآخر، بحر لا ینف و هو متأهل البيت، هذه رواية أبی البختری عن علی عليه السلام [الغارات، ج ۱، ص ۱۷۷؛ المعجم الكبير، ج ۶، ص ۲۱۴؛ الاستیعاب، ج ۲، ص ۶۳۷؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۲۱، ص ۴۲۲؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۳۸۷؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۳۶].

۳۰. الدر المنظیم، ص ۲۸۹؛ ۲۹۰؛ كشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۱، ص ۳۵۴.

۳۱. مسعدة بن صدقة عن أبی عبد الله عليه السلام قال: ... وإنما صار سلمان من العلماء لأنه أمره متأهل البيت، فلذلك نسبته إلى العلماء (الكافی، ج ۱، ص ۴۰۱)؛ طبری شیعی نیز روایتی آورده که در بخشی از آن حضرت زهرا علیها السلام فرموده اند: ... ثم قالت [فاطمة علیها السلام]: يا فضة! قولی لسلمان یدخل فإن سلماناً متأهلاً البيت ورب الكعبة (دلائل الإمامة، ص ۱۴۰)؛ در بسیاری دیگر از منابع کهن روایی بر این حقیقت تصریح شده است. برای آگاهی بیشتر، رک: مناقب الإمام أميرالمؤمنین عليه السلام، ج ۱، ص ۲۲۱ و ج ۲، ص ۳۸۴؛ تفسیر قرأت الکوفی، ص ۱۷۱؛ عیون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۷۰؛ شرح الأخبار، ج ۳، ص ۱۴؛ المعجم الكبير، ج ۶، ص ۲۱۳؛ المستدرک، ج ۳، ص ۵۹۸؛ ذیل عنوان «ذکر سلمان الفارسی رضی الله عنه»؛ الدرر، ص ۱۷۰).

۳۲. فتوح الشام، ج ۲، ص ۲۰۴؛ الطبقات الكبرى، ج ۴، ص ۸۳؛ ج ۷، ص ۳۱۹؛ تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۲۳۵؛ طبقات المحلثین بأصبهان، ج ۱، ص ۲۰۳ به بعد؛ ذکر أخبار اصبهان، ج ۱، ص ۵۴؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۴، ص ۲۷۰؛ ج ۲۱، ص ۴۰۸؛ المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک، ج ۵، ص ۲۵؛ الكامل فی التأریخ، ج ۲، ص ۱۷۹؛ البدایة والنهایة، ج ۲، ص ۲۲۷؛ ج ۴، ص ۱۱۴؛ ج ۵، ص ۳۳۸.

۳۳. أسد الغابة، ج ۲، ص ۳۳۱؛ تهذیب الکمال، ج ۱۱، ص ۲۵۱؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۵۴۰.

۳۴. الجفاء: یقصر ویمد؛ نقیض الصلة (العین، ج ۶، ص ۱۹۰)؛ الجفاء ممدود: خلاف البر. وقد جفوت الرجل أجفوه جفاء



علی علیه السلام جفا را یکی از شاخه‌های فسق برشمرده‌اند و امام صادق علیه السلام نیز جایگاه جفاکار را در آتش دانسته‌اند.<sup>۳۶</sup> شاید به همین روی بوده که نه تنها در برخی گزارش‌های یاد شده (همچون گزارش کشی و طبری) این تعبیر وجود نداشت، بلکه در گزارش طبری، برعکس، امام علی علیه السلام با عبارت «مرحباً یا سلمان» از او به نیکی یاد کرده است. شکوه مذکور در روایت، با عملکرد روشن سلمان رضی الله عنه در ماجرای سقیفه و همراهی و هم‌نوایی او با امام علی علیه السلام نیز همخوانی ندارد. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده که پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله همگان از دین خدا برگشتند، مگر سه تن: سلمان، ابوذر و مقداد.<sup>۳۷</sup> سلمان فارسی یکی از چهار تنی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله مأمور به حب آنان بوده است.<sup>۳۸</sup> شیخ مفید در الاختصاص به روایاتی از اهل بیت علیهم السلام در معرفی یاران نزدیک و برجسته امیر مؤمنان علیه السلام، پرداخته که در همه آنها، سلمان از ارکان و سابقین یاد شده است.<sup>۳۹</sup>

شمار این دست روایات به قدری افزون است که برای اثبات جلالت شأن و وفاداری پایدار سلمان رضی الله عنه به خاندان وحی و عدم پذیرش عبارت «جفوتنا» - که در برخی گزارش‌ها بدان اشاره شده - کافی است.

### پوشش (حجاب) حضرت زهرا علیها السلام

بنا بر گزارش ابن طاووس، حضرت زهرا علیها السلام به هنگام دیدار با سلمان رضی الله عنه، پوشش مناسبی نداشتند؛<sup>۴۰</sup> بخشی که مشکل اصلی نقل ابن طاووس بوده و بخش عمده نوشتار حاضر در

فهو مجفوف (الصحيح، ج ۶، ص ۲۳۰۳)؛ كل شيء إذا لم يلزم شيئاً يقال جفا عنه يجفون: (مقاييس اللغة، ج ۱، ص ۴۶۵)؛ جفاني فلان: فعل بي ما ساءني: (أساس البلاغة، ص ۱۲۸). ابن سبويه (م ۴۵۸ ق) نیز ریشه «جفو» را به قطع پیوند و دوری از چیزی معنا کرده است (المختص، ج ۴، ص ۳۷، ق ۱).  
۳۵. الكافي، ج ۲، ص ۳۹۱.

۳۶. ... والجفاء في النار (الكافي، ج ۲، ص ۳۲۵). در همان جا از امام صادق علیه السلام نقل شده که به هنگام یادکرد نام سلمان رضی الله عنه فرمودند: «فصلوات الله على سلمان».

۳۷. برید بن معاویه، عن أبي جعفر علیه السلام قال: ارتد الناس بعد النبي صلی الله علیه و آله إلا ثلاثة نفر: المقداد بن الأسود، وأبوذر الغفاري و سلمان الفارسي، ثم إن الناس عرفوا ولحقوا بعد (الاختصاص، ص ۶ و ۱۰ و با تفاوت تعبیر در: رجال الكشي، ج ۱، ص ۳۴ و ۳۷). در روایات مشابه دیگری نیز از این فضیلت سلمان رضی الله عنه سخن به میان آمده است (برای آگاهی بیشتر، رک: رجال الكشي، ج ۱، ص ۳۹۳۸؛ الاختصاص، ص ۶).

۳۸. رجال الكشي، ج ۱، ص ۴۶؛ الاختصاص، ص ۹.

۳۹. الاختصاص، ص ۱۰ به بعد.

۴۰. ... هي جالسةٌ وعليها قطعةٌ عبا إذا حَمَرَت رأسها انجلى ساقها وإذا غَطَّت ساقها انكشف رأسها فلما نظرت إلى اعترجت.

صدد نقد آن است. عبارت یاد شده، این پرسش‌ها را در ذهن برمی‌انگیزاند:

۱. الگوی پوشش اهل بیت علیهم السلام به عنوان اسوه پاکي و دینداری و سرور زنان جهان چگونه است؟

۲. آیا سلمان رضی الله عنه، بدون اذن به خانه امام علی علیه السلام درآمد که آن حضرت علیها السلام با دیدن او خود را پوشاندند؟!

در مقام پاسخ به پرسش نخست، باید گفت که با نگاهی به متون و منابع دینی و گزارش‌های موجود، تصویر درست و دقیقی از حدود پوشش اسلامی و نحوه رعایت آن از سوی حضرت زهرا علیها السلام گزارش شده که در این نوشتار مجال نقل آنها نیست. از امام سجاد علیه السلام و امام علی علیه السلام نقل شده که فرمودند:

روزی نابینایی اجازه خواست تا بر حضرت زهرا علیها السلام درآید، آن حضرت خود را از او خود را پوشاند، رسول خدا صلی الله علیه و آله از حضرتش پرسید چرا از نابینایی خود را می‌پوشانی؟ حضرت زهرا علیها السلام در پاسخ فرمود: ای رسول خدا! اگر او مرا نمی‌بیند، من که او را می‌بینم و او بوی مرا استشمام می‌کند، در این لحظه، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شهادت می‌دهم که تو پاره تن منی.<sup>۴۱</sup>

تاریخ پژوه معاصر، جعفر مرتضی‌عاملی، در تحلیلی ارزنده از این روایت گوید:

مراد رسول اکرم صلی الله علیه و آله از عبارت «أشهد أنك بضعة منی»، در این جایگاه، فقط یکسانی ذاتی (جسدی) نیست، بلکه حضرت زهرا علیها السلام از جهت، ایمان، اندیشه، ضمیر و فهم امور و شناخت احکام و اهداف و ملاکات و حقایق و ظرایف آنها نیز همسان پدر است و این عبارت تأییدی برفهم و شأن و جایگاه او در همه امور است.<sup>۴۲</sup>

عایشه، گفتار و رفتار حضرت فاطمه علیها السلام همسان رسول خدا صلی الله علیه و آله خوانده، گوید:

هیچ کس را ندیدم که همچون فاطمه - کرم الله وجهها - از نظر روش و منش

۴۱. ... فقالت: يا رسول الله! إن لم يكن يراني فأنا أراه و هو يشمّ الرّيح، فقال النبي صلی الله علیه و آله: أشهد أنك بضعة منی (مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، ابن مغازلی، ص ۲۸۹؛ الدرّ النظیم، ص ۴۵۷). در النوادر فضل الله راوندی (م ۵۷۱ق)، ص ۱۱۹ و پاره‌ای منابع دیگر، این مطلب از امام علی علیه السلام روایت شده است. قاضی نعمان مغربی (م ۳۶۳ق) این ماجرا را از امام جعفر صادق علیه السلام نیز نقل کرده است (دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۱۴).

۴۲. الصحيح من سيرة النبي الأعظم، ج ۲۵، ص ۹۸.

دینی و هدایت‌گری و نیز در گفتار و سخن، به رسول خدا ﷺ مانند باشد...<sup>۴۳</sup>  
 همچنین از رسول خدا ﷺ نقل شده که آن حضرت، زنان را چند چیز از جمله نگاه به مردان منع کردند و فرمودند:

هرزنی که پوشش (روسری) خود را در غیر از خانه همسرش از سرافکند، حجابش را زیر پا نهاده است.<sup>۴۴</sup>

روایات و منقولات گزیده فوق‌گویای پیشگامی و پای‌بندی کامل خاندان وحی، به ویژه سرور زنان جهان، در عمل به شوونات و ارزش‌های دینی است و پذیرش این حقیقت، با آنچه که در گزارش ابن طاووس آمده، سازگار نبوده و با آن در تعارض است. چگونه ممکن است، سرچشمه عفت و حجب و آرم در پوشش خویش تساهل روا دارد.

اما بخش دوم ماجرا، یعنی گزارش سلمان رضی الله عنه از نحوه پوشش آن حضرت صلی الله علیه و آله نیز جای اندیشه و نقد دارد. به دیگر سخن، از گزارش منقول ابن طاووس دو احتمال به ذهن می‌رسد: یکی ورود بی‌اذن و ناگهانی سلمان رضی الله عنه که پوشش سراسیمه حضرت زهرا علیها السلام را در پی داشته! و دیگر آن که با وجود اجازه‌خواهی سلمان رضی الله عنه پیش از ورود، حضرت زهرا علیها السلام نسبت به پوشش خود اقدام نکرده‌اند. پاسخ به احتمال دوم که روشن است و با اندکی درنگ در روایات پیش در زمینه پای‌بندی فراتر از انتظار حضرت زهرا علیها السلام به پوشش اسلامی، حتی در برابر یک نابینا، نادرستی آن به قطع اثبات می‌شود.

اما در باره احتمال نخست، یعنی ورود بی‌اذن سلمان رضی الله عنه، باید گفت چنین احتمالی با فرهنگ اسلامی و سیره دین‌داران ستوده‌ای چون سلمان رضی الله عنه سازگار نیست؛ چه، ورود بی‌اذن در خانه، برآمده از فرهنگ و عادت جاهلی است و در قرآن کریم مورد نقد قرار گرفته است. در

۴۳. عائشة بنت طلحة، عن أم المؤمنين عائشة - رضی الله عنها - أنها قالت: ما رأيت أحداً كان أشبه سمّاً وهدياً ودلاً. و قال الحسن: حديثاً وكلاماً. برسول الله ﷺ من فاطمة كرم الله وجهها... (الأدب المفرد، ص ۲۰۹؛ سنن ابی داود، ج ۲، ص ۵۲۲؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۴۰۳؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۵۴ و ۱۶۰؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۹۶؛ السنن الكبرى، ج ۷، ص ۱۰۱؛ العملة، ص ۳۸۸).

۴۴. دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۱۵؛ شعب الإيمان، ج ۶، ص ۱۵۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۸۰. انس بن مالک صحابی گوید: رسول خدا ﷺ از ما پرسید: خیر زنان در چیست؟ ما در پاسخ، مانند ما تا آن که علی علیه السلام نزد فاطمه علیها السلام رفته و از او پرسید. او نیز در پاسخ گفت: این که مردان را [جز به ضرورت] نبینند و مردان نیز او را نبینند... (سؤالات حمزة، ص ۲۸۰؛ حلیة الأولیاء، ج ۲، ص ۴۱۴۰ و با اندکی تفاوت در: دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۱۵؛ قوت القلوب، ص ۴۲۲؛ احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۱۴۲؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۲۰؛ بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۸۴).

آیه ۲۷ از سوره نور آمده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا﴾. در آیه ۵۸ همان سوره هم از لزوم اجازه خواهی بردگان و کنیزان و فرزندان به هنگام ورود بر مؤمنان در ساعاتی از روز و شب، سخن به میان آمده است.<sup>۴۵</sup> در سوره احزاب نیز بر لزوم اجازه خواهی برای ورود به خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و سخن گفتن با همسران آن حضرت، از پس پرده یا پوشش، تأکید شده است.<sup>۴۶</sup> افزون بر قرآن کریم، در روایات بسیاری نیز از نگاه یا ورود بی اذن در منازل منع شده است.<sup>۴۷</sup>

نظر بدانچه آمد، احتمال نخست یعنی ورود بی اذن سلمان رضی الله عنه بر حضرت زهرا علیها السلام نیز به طور قطع منتفی است. بدین ترتیب، این بخش از گزارش ابن طاووس نادرست است و پذیرش آن مایه و هن شأن اهل بیت علیهم السلام و اصحاب آنان است.

### حجاب (عفاف) آموزه‌ای ارزنده در همه ادیان الهی

پس از تبیین سیره سرچشمه عصمت، صدیقه طاهره علیها السلام در حجاب، شایسته است به صورت گذرا به اهمیت و جایگاه حجاب در ادیان آسمانی اشاره شود تا روشن گردد که حجاب و عفاف از جمله آموزه‌های پایدار و همیشگی فرستادگان الهی در دعوتشان بوده است. با این وصف، چگونه ممکن است که فرزند فرستاده خاتم، نسبت به پای بندی به این

۴۵. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ...».

۴۶. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَظْرِينَ إِنَّهُ... وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ...».

۴۷. در روایتی نبوی آمده که هر آن که هنگام ورود در خانه‌ای اجازه خواهد، اما پیش از راه یابی، در خانه نظر افکند، اجازه‌اش را باطل ساخته است. و من ذلك قوله عليه الصلاة والسلام: «إذا دخل البصر فلا إذن». در جای دیگر از آن حضرت نقل شده: «من سبقه بصره إلى البيوت فقد دمر»، یعنی دخل: (المصنف، ج ۶، ص ۲۰۲؛ المعجم الكبير، ج ۸، ص ۱۰۵). لازم به ذکر است که ریشه «دمر» به معنای دخول و ورود بی اجازه است. جوهری گوید: دمریدمردمورا؛ دخل بغیر اذن. و فی الحدیث: من سبق طرفه استئذانه فقد دمر (الصحيح، ج ۲، ص ۶۵۹). همچنین از آن حضرت آمده: «من اطلع من صير باب فقد دمر». ابن سلام (م ۲۲۴ ق) با اندکی تفاوت این روایت را نقل کرده است: «من اطلع فی بیت بغیر اذن فقد دمر (غریب الحدیث، ج ۱، ص ۱۴۳). در پاره‌ای روایات به شدت با این مسأله برخورد شده است. شیخ صدوق از امام باقر علیه السلام روایت کرده: آن که [بدون اجازه] در خانه مؤمنی نظر افکند، برکنند چشمان او برای مؤمن مباح است و هر آن که بدون اجازه به خانه مؤمنی درآید، کشتن او بر آن مؤمن مباح است (من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۰۴). در پاره‌ای دیگر از روایات از طریق اهل بیت: و دیگران از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که حتی در خانه‌ای که مادران در آن است نیز بی خیر در نیابید و اجازه ورود بگیری (الموطأ، ص ۹۶۳؛ المصنف، ج ۳، ص ۴۵۴؛ الاستدکار، ج ۸، ص ۴۷۳؛ التمهید، ج ۱۶، ص ۲۲۹). قاضی نعمان مغربی نیز با اندکی تفاوت در تعبیر، مضمون مشابهی را به واسطه امام صادق علیه السلام از امام علی علیه السلام روایت کرده است (دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۰۲).

حُکم الهی تساهل ورزیده باشد؟!

حجاب حقیقتی شرعی در ادیان الهی است. در دین اسلام نیز افزون بر آیات قرآن، در سنت رسول خدا ﷺ و سیره اهل بیت علیهم السلام رعایت پوشش اسلامی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. در قرآن کریم صفت حیا و عفاف در عرصه های مختلف مورد مدح و توصیه قرار گرفته و از آن به عنوان یک ارزش یاد شده است؛ در دارایی<sup>۴۸</sup> و مسائل مربوط به نکاح<sup>۴۹</sup> و نیز پوشش<sup>۵۰</sup> و نیز رفتار زنان.<sup>۵۱</sup> در آیه ای از قرآن حیا از ویژگی های اخلاقی رسول خدا ﷺ برشمرده شده است.<sup>۵۲</sup> افزون بر آیات فوق و نیز آیاتی که در سطور پیشین این نوشتار از آنها یاد شد، در روایات اهل بیت علیهم السلام به حیاءپیشگی، عفت ورزی و رعایت پوشش اسلامی و آثار آنها سخن به میان آمده است. امام علی علیه السلام در ستایش عفاف، ارزش و جایگاه فرد عقیف را برتر از شهید و در رتبه ای نزدیک به فرشتگان یاد کرده است.<sup>۵۳</sup> در جای دیگر، امام صادق علیه السلام از حضرت مسیح علیه السلام نقل کرده که بر خانه ها پرده و پوشش نهند و آرم پیشه سازند؛ زیرا خداوند حیا را همچون رزق و روزی میان مردمان قسمت کرده است.<sup>۵۴</sup> ابن مسعود صحابی گوید: حضرت زهرا علیها السلام از رسول خدا ﷺ نقل کرده اند:

همانا خداوند انسان خیر و خویشترن دار و عفت پیشه را دوست می دارد ... حیا نشانه ایمان است و ایمان در بهشت جای دارد ...<sup>۵۵</sup>

امام صادق و امام رضا علیهم السلام، نیز حیاءورزی را از نشانه های ایمان و عوامل راه یابی به بهشت برشمرده اند.<sup>۵۶</sup> در جایی دیگر، رسول خدا ﷺ یکی از بهترین ویژگی های بهترین زنان را پوشیدگی و عفاف آنان برشمرده است.<sup>۵۷</sup> با آگاهی از این حقایق مسلم، نمی توان پذیرفت که

۴۸. «... وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ...» (سوره نساء، آیه ۶).  
 ۴۹. «وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...» (سوره نور، آیه ۳۳).  
 ۵۰. «... وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ...» (سوره نور، آیه ۶۰).  
 ۵۱. «فَجَانَّتُهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ...» (سوره قصص، آیه ۲۵).  
 ۵۲. «... وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ...» (سوره احزاب، آیه ۵۳).  
 ۵۳. «مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ، لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴).  
 ۵۴. قرب الإسناد، ص ۴۶.  
 ۵۵. دلائل الإمامة، ص ۶۶-۶۵.  
 ۵۶. ابوعبیده الحذاء، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: الحياء من الإيمان والإيمان في الجنة (الكافي، ج ۲، ص ۱۰۶؛ تحف العقول، ص ۳۹۴؛ الزهد، ص ۶؛ عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۲۳۹).  
 ۵۷. من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۸۹.



خاندان وحی و مفسران حقیقی کتاب الهی نسبت به رعایت این آموزه‌های وحیانی بی تفاوت بوده باشند.

### نقد سندی گزارش ابن طاووس از روایت

نقد سندی، همواره یکی از متداول‌ترین روش‌های متأخران برای اعتبارسنجی روایات بوده است. پس از ارزیابی منبعی و دلالتی گزارش ابن طاووس، در مقام تقویت نقد و هدف تأیید یافته‌ها، از میان گزارش‌های مختلف، وضعیت سندی نقل ابن طاووس مورد بررسی قرار خواهد گرفت که نه تنها به بیشترین مشکل دلالتی (محتوایی) مبتلابه، بلکه عالمان قرن هفتم به بعد - که در آثار خویش به نقل این ماجرا پرداخته‌اند - غالباً به این انعکاس این گزارش بسنده کرده‌اند و به روایت کثی، طبری، ابن حمزه طوسی و قطب راوندی تکیه‌ای نداشته‌اند.

### بررسی وضعیت رجالی راویان گزارش ابن طاووس

برای نمایاندن مشکلات عدیده سند گزارش یاد شده، در این بررسی، وضعیت رجالی راویان نقل ابن طاووس، از طبقه پس از سلمان فارسی - که خود از صحابه بزرگ و جلیل القدر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است - تا طبقه فرات بن ابراهیم کوفی (طبقه دوم تا هفتم) مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

#### طبقه دوم. عبدالله بن سلمان الفارسی

در منابع رجالی شیعه و اهل سنت نامی از وی یاد نشده است. نمازی شاهرودی نیز به این نکته اشاره کرده است.<sup>۵۸</sup> بنا بر این، به اصطلاح رجالیان باید او را «مهمل» نامید. جز این روایت، نام وی در سند روایتی دیگر در منابع روایی اهل سنت در نقل یکی از نامه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز آمده است.<sup>۵۹</sup>

#### طبقه سوم. عاصم

«عاصم» در این روایت در طبقه اتباع تابعین قرار گرفته است. در سند روایات، راویان متعددی با این نام در این طبقه دیده می‌شود. از آن جایی که نام پدر و نسبت او مشخص

۵۸. مستدرک علم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۱۲۷.

۵۹. طبقات المحدثین باصبهان، ج ۱، ص ۲۲۶؛ تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۸۱؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۲۱، ص ۴۰۲.

نشده، تلاش برای تشخیص «هویت» او از طریق راوی یا مروی عنه نتیجه‌ای در پی ندارد. تنها در سند این روایت است که عاصم از عبد الله بن سلمان فارسی روایت می‌کند و نیز تنها در این سند است که راویانی با نام «داود بن رشید» یا «الولید بن شجاع بن مروان» از شخصی به نام «عاصم» نقل روایت دارند. در نتیجه، با وجود بررسی‌های رجالی، در نهایت «هویت» این راوی نیز ناشناخته است و راهی برای شناخت او نیست.

#### طبقه چهارم. داود بن رشید و الولید بن شجاع بن مروان

نام این دو راوی در سند مورد بررسی در طبقه ناقلان از «عاصم» آمده است. راوی با نام «داود بن رشید» در هیچ یک از کتب رجالی نام برده نشده است. نمازی شاهرودی نیز در المستدرک خود به این نکته تصریح کرده است.<sup>۶۰</sup> در نتیجه، به لحاظ وصف رجالی باید او را نیز «مهمل» بدانیم.<sup>۶۱</sup> راوی ای با نام «الولید بن شجاع بن مروان» علاوه بر این که در هیچ کتاب رجالی نام برده، در هیچ سند دیگری جز این سند نیز وجود ندارد. بنا بر این، او را نیز به لحاظ رجالی باید «مهمل» بخوانیم.

#### طبقه پنجم. محمد بن إدريس بن سعيد الأنصاری

نام او در هیچ کتاب رجالی حتی مستدرک علم رجال نمازی نیامده است و سند مورد بررسی تنها سندی است که نام وی در آن دیده می‌شود. بنا بر این باید وی را نیز به لحاظ رجالی «مهمل» بدانیم.

#### طبقه ششم. جعفر بن محمد بن بشرویه القطان

به نام این راوی در هیچ کتاب رجالی اشاره نشده است. نمازی در مستدرک علم رجال الحدیث به این نکته تصریح کرده است.<sup>۶۲</sup> از این رو، باید او را به لحاظ رجالی «مهمل» دانست. در کتاب‌های حدیثی نام این راوی تنها در طبقه مشایخ فرات بن ابراهیم، صاحب

۶۰. مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۳، ص ۳۵۴.

۶۱. در اسناد چندین روایت راوی ای با این نام دیده می‌شود. در بیشترین روایات «داود بن رشید» با چهار یا پنج واسطه از پیامبر ﷺ نقل روایت دارد و در برخی دیگر، با یک واسطه از امام جعفر صادق عليه السلام نقل روایت می‌کند. با توجه به تفاوت طبقه داود بن رشید در این دو دسته روایات شاید بهتر باشد برخلاف نمازی که این نام را برای یک راوی در نظر گرفته است، این نام را برای دو راوی در دو طبقه مختلف در نظر بگیریم که البته هر دو به لحاظ رجالی مهمل محسوب می‌شوند.

۶۲. مستدرک علم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۱۹۱.

تفسیر، و در مجموع در سند چهار روایت دیده می‌شود.<sup>۶۳</sup>

### طبقه هفتم. فرات بن ابراهیم

وی صاحب تفسیر مشهور است. نکته مهم در باره او این است که وی از عالمان نیمه اول قرن چهارم است. در کتب رجال کهن یادکردی از او نشده و در کتب رجال متأخر نیز سخنی مبنی بر مدح یا ذم او به چشم نمی‌خورد و تنها به نقل پراکنده والد شیخ صدوق از او اشاره شده است.<sup>۶۴</sup> در سند گزارش منقول در *مهج الدعوات* تعداد راویان سند، از فرات بن ابراهیم کوفی در گذشته به نیمه اول قرن چهارم، تا سلمان صحابی، پنج واسطه وجود دارد؛ در حالی که در روایت نمونه دیگر، از فرات تا جابر بن عبدالله صحابی - که از معمرین محسوب می‌شود - نه واسطه نقل وجود دارد.<sup>۶۵</sup> یا در سندی دیگر، از فرات کوفی تا امام علی علیه السلام، نیز نه واسطه متصل ذکر شده است.<sup>۶۶</sup> چنان که به صورت تقریبی فاصله میان طبقات راویان را سی تا پنجاه سال در نظر بگیریم، باید در بهترین حالت و در کوتاه‌ترین سند بین او تا صحابه حداقل هفت واسطه دیده شود؛<sup>۶۷</sup> در حالی که در سند مورد بررسی بین فرات تا سلمان فارسی - که از کبار صحابه است - تنها پنج واسطه نام برده شده است. از این رو، رخداد ارسال در سند آن قطعی است. بنا بر این، در باره سند روایت منقول از ابن طاووس در *مهج الدعوات* باید گفت:

۱. به دلیل مهمل بودن راویان در شش طبقه از هفت طبقه سند، چنین سندی «ضعیف» ارزیابی می‌شود.
۲. به دلیل قلت واسطه‌ها از فرات کوفی تا سلمان فارسی به نظر می‌رسد روایت مبتلا به ارسال خفی است و «معلل» محسوب می‌گردد.
۳. روایت در همه طبقات به جز طبقه چهارم (که نام دو راوی برده شده) تفرد دارد و حدیث متفرد، «غریب» است که از اقسام روایت «ضعیف» شمرده می‌شود.

۶۳. تفسیر فرات الکوفی، ص ۲۸۸، ۴۱۹ و ۵۰۴.

۶۴. برای نمونه، رک: معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۷۱؛ طرائف المقال، ج ۱، ص ۲۴۸.

۶۵. برای نمونه، رک: الأمالی (صدوق)، ص ۵۷.

۶۶. برای نمونه، رک: همان، ص ۲۹۱.

۶۷. برای نمونه، رک: تفسیر فرات، ص ۵۷؛ الأمالی (صدوق)، ص ۵۷.

## نتیجه گیری

بررسی و ارزیابی گزارش ابن طاووس از پوشش حضرت زهرا علیها السلام در «دعای نور»، نشان داد که نقل ابن طاووس با آنچه در منابع کهن تر و استوارتر گزارش شده، انطباق ندارد و این مسأله دلیلی روشن بر عدم صحّت پاره‌ای از بخش‌های آن است. نقل ابن طاووس از ماجرا، مبنای اصلی عالمان متأخر و معاصر در گزارش ماجرا بوده است و همه آنها بی هیچ نقد و تحلیلی به گزارش او اعتماد کرده‌اند. متن گزارش ابن طاووس بر اساس هریک از سه معیار (منبع، متن و سند) دچار ضعف جدی است؛ از یک سو در منابع معتمد و مشهور متقدّمان اثری منطبق با آن یافت نشد. از سوی دیگر، بخش‌هایی از محتوای آن با قرآن کریم (محک ارزیابی روایات) و نیز سیره‌خاندان وحی و حقایق تاریخی منقول در منابع فریقین همخوان نبود و سرانجام، سلسله سند آن به چند عیب جدی مبتلا بود که هریک از آنها به تنهایی برای ضعف و در نتیجه اسقاط اعتبار روایت، کافی است.

در سوی دیگر، نقل ابو عمرو کثیّی از ماجرا، اولاً به دلیل حضور نام دو تن از ائمه علیهم السلام در سلسله سند آن و ثانیاً، با عنایت به تبخّر مؤلف در دانش رجال و ثالثاً، به دلیل قدمت و نزدیکی به عصر تدوین جوامع روایی و رابعاً سازگاری با روح قرآن، شأن و سیره‌خاندان وحی و نیز صحابه برجسته و گزیده ایشان، بر دیگر نقل‌های متناقض (همچون نقل ابن طاووس) برتری دارد و می‌تواند معیار سنجش میزان درستی گزارش‌های پراکنده دیگر در این باره قرار گیرد.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش آن است که به صرف وجود یک روایت یا خبر در آثار مشهور عالمان سده‌های میانه یا پس از آن، نمی‌توان به راستی آن حکم راند، چه بسا بتوان گفت: صحّت و اعتبار روایت یا گزارشی که قدمت آن به سده‌های میانه (قرون ۷ و ۸ و...) محدود می‌شود و با آموزه‌های مسلم دینی همخوانی ندارد، جای تردید است و در صورت نداشتن قراین عقلی و نقلی مؤید، باید از پذیرش آن امتناع نمود. بدین روی، برای ارزیابی دقیق و جامع‌نگرانه محتوای روایات و گزارش‌های تاریخی شایسته است حتی المقدور از سه معیار ارزیابی منبعی، نقد متنی (دلالی) و نقد سندی در کنار یکدیگر بهره گرفت. از آنجا انعکاس گزارش ابن طاووس در آثار مشهور بعدی همچون بحار الأنوار، اعتماد کاذب برخی را در پی داشته و پشتوانه باور و عمل برخی از آنها در عدم پای بندی شایسته به مقوله حجاب (عفاف) شده، شناسایی و تبیین صحّت و سقم این دست روایات در منابع روایی مشهور و معتمد (در باور عامه مردم) بیش از پیش ضروری می‌نماید.

## کتابنامه

- الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، تعليق و مراجعه: محمد باقر خراسان، نجف: دار النعمان للطباعة والنشر، ۱۳۸۶ق.
- إحياء علوم الدين، ابو حامد محمد غزالي، بيروت: دار الكتاب العربي، بی تا.
- الاختصاص، محمد بن محمد بن نعمان مفيد، تحقيق: علي اكبر غفاري و سيد محمود زرندي، بيروت: دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع، دوم، ۱۴۱۴ق.
- اختيار معرفة الرجال (رجال الكشي)، ابو عمرو محمد بن عمر كشي، تحقيق: سيد مهدي رجائي، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۴ق.
- الأدب المفرد، محمد بن اسماعيل بخاري، بيروت: مؤسسة الكتب الثقافية، ۱۴۰۶ق.
- الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، محمد بن محمد بن نعمان مفيد، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليه السلام، بيروت: دار المفيد، دوم، ۱۴۱۴ق.
- أساس البلاغة، محمود بن عمر زمخشرى، قاهره: دار و مطابع الشعب، ۱۹۶۰م.
- الاستنكار، يوسف بن عبد البرّاندلسي، تحقيق: سالم محمد عطا و محمد علي معوض، بيروت: دار الكتب العلمية، ۲۰۰۰م.
- الاستيعاب في معرفة الأصحاب، يوسف بن عبد البرّاندلسي، تحقيق: علي محمد البجاوي، بيروت: دار الجيل، ۱۴۱۲ق.
- أسد الغابة في معرفة الصحابة، ابن اثير عزّالدين أبو الحسن علي بن أبي الكرم جزري، بيروت: دار الكتاب العربي، بي تا.
- الأمالي، محمد بن علي صدوق، تحقيق: قسم الدراسات الإسلامية في مؤسسة البعثة، قم: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۷ق.
- الأمالي، محمد بن حسن طوسي، تحقيق: قسم الدراسات الإسلامية في مؤسسة البعثة، قم: دار الثقافة للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۱۴ق.
- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسي، بيروت: مؤسسة الوفاء، دوم، ۱۴۰۳ق.
- البداية والنهاية، ابن كثير ابو الفداء اسماعيل دمشقي، تحقيق: علي شيري، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۸ق.
- بشارة المصطفى صلى الله عليه وآله لشيعته المرئضى عليه السلام، محمد بن أبي القاسم طبري، تحقيق: جواد قتيومي، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۲۰ق.
- تاريخ الأمم والملوك، محمد بن جرير طبري، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، چهارم،

۱۴۰۳ق.

- تاريخ مدينة دمشق، ابن عساكر على بن الحسين دمشقى، تحقيق: على شيرى، بيروت: دار الفكر، ۱۴۱۶ق.

- تحف العقول عن آل الرسول، ابن شعبه ابو محمد حسن بن على حزانى، تصحيح و تعليق: على اكبر غفارى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، دوم، ۱۴۰۴ق.

- تفسير فرات الكوفى، فرات بن ابراهيم كوفى، تحقيق: محمد الكاظم، تهران: مؤسسة الطبع و النشر التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامى، ۱۴۱۰ق.

- التمهيد، يوسف بن عبد البر اندلسى، تحقيق: مصطفى بن أحمد العلوى و محمد عبد الكبير البكرى، مغرب: وزارة عموم الأوقاف و الشؤون الإسلامية، ۱۳۸۷ق.

- تهذيب الأحكام، محمد بن حسن طوسى، تحقيق: حسن موسى خرسان، تهران: دار الكتب الإسلامية، چهارم، ۱۳۶۵ش.

- تهذيب الكمال فى أسماء الرجال، جمال الدين يوسف مزى، تحقيق: بشار عواد معروف، بيروت: مؤسسة الرسالة، چهارم، ۱۴۰۶ق.

- الثاقب فى المناقب، عماد الدين محمد بن على طوسى، تحقيق: نبيل رضا علوان، قم: انصاريان، ۱۴۱۱ق.

- حجاب شرعى در عصر پيامبر ﷺ، امير حسين تركاشوند، بى جا، ۱۳۹۰ش.

- حجاب؛ تكليف يا قانون، محمد على ايازى، مجلة الكرونىكى اجتهاد: <http://ijtihadnet.ir>

- حلية الأولياء و طبقات الأصفياء، ابونعيم احمد بن عبدالله اصفهانى، تحقيق: ابوهاجر السعيد بن بسيونى زغلول، قاهره: مكتبة الخانجى و بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۱۶ق.

- الخرائج و الجرائح، قطب الدين سعيد بن عبدالله راوندى، قم: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، ۱۴۰۹ق.

- الدرر النظيم، يوسف بن حاتم مشغرى عاملى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، بى تا.

- الدرر فى اختصار المغازى و السير، يوسف بن عبد البر اندلسى، تحقيق: شوقى ضيف، قاهره: المجلس الأعلى للشؤون الإسلامية، ۱۳۸۶ق.

- دعائم الإسلام، قاضى نعمان مغربى، تحقيق: آصف بن على اصغر فيضى، قاهره: دار المعارف، دوم، ۱۳۸۵ق.

- الدعوات (سلوة الحزين)، قطب الدين سعيد بن عبدالله، قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، ١٤٠٧ق.
- دلائل الإمامة، محمد بن جرير بن رستم طبري، قم: مؤسسة البعثة، ١٤١٣ق.
- ذكر أخبار إصبهان، أبو نعيم أحمد بن عبدالله أصفهاني، لايدن: برييل، ١٣٩٤م.
- روضة الواعظين، محمد بن الحسن فتال نيشابوري، مقدمه: محمد مهدي السيد حسن الخراسان، قم: منشورات رضی، بی تا.
- الزهد، حسين بن سعيد كوفي، تحقيق: ميرزا غلام رضا عرفانيان، قم، ١٣٩٩ق.
- سلمان الفارسي في مواجهة التحدي، جعفر مرتضى عاملی، بيروت: المركز الإسلامي للدراسات، سوم، ١٤٣٠ق.
- سنن أبي داود، ابوداود سليمان بن اشعث سجستاني، تحقيق و تعليق: سعيد محمد اللحام، بيروت: دار الفكر، ١٤١٠ق.
- السنن الكبرى، احمد بن حسين بيهقي، بيروت: دار الفكر، ١٣٧٧ق.
- سؤالات حمزة بن يوسف سهمي للدارقطني وغيره من المشايخ، دارقطني، علي بن عمر، رياض: مكتبة المعارف، ١٤٠٤ق.
- سير أعلام النبلاء، ابن حجر احمد بن علي عسقلاني، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، نهم، ١٤١٣ق.
- شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار، قاضي نعمان مغربي، تحقيق: محمد حسيني جلالی، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، دوم، ١٤١٤ق.
- شرح نهج البلاغة، ابن أبي الحديد، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، بيروت: دار احياء الكتب العربية، ١٣٧٨ق.
- شعب الإيمان، احمد بن حسين بيهقي، تحقيق: ابوهاجر محمد سعيد بن بسيوني زغلول، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٠ق.
- الصحاح، اسماعيل بن حماد جوهري، تحقيق: احمد عبدالغفور عطار، بيروت: دار العلم للملايين، ١٣٧٦ق.
- صحيح ابن حبان، ابوحاتم محمد بن حبان، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، ترتيب: علاء الدين علي بن بلبان الفارسي، بيروت: مؤسسة الرسالة، دوم، ١٤١٤ق.
- الصحيح من سيرة النبي الأعظم عليه السلام، جعفر مرتضى عاملی، قم: دار الحديث، ١٤٢٦ق.
- الطبقات الكبرى، محمد بن سعد، بيروت: دار صادر، بی تا.

- طبقات المحدثين بأصبهان، ابوالشيخ عبدالله بن محمد انصاري، تحقيق: بد الغفور عبد الحق حسين البلوشي، بيروت: مؤسسة الرسالة، دوم، ١٤١٢ق.
- طرائف المقال في معرفة طبقات الرجال، سيد علي اصغر بروجردي، تحقيق: مهدي رجائي، قم: كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي، ١٤١٠ق.
- عمدة عيون صحاح الأخبار في مناقب إمام الأبرار، ابن بطريق يحيى بن حسن، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤٠٧ق.
- عيون أخبار الرضا عليه السلام، محمد بن علي صدوق، تصحيح و تعليق: حسين الأعلمي، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ١٤٠٤ق.
- الغارات، ابراهيم بن محمد ثقفى كوفى، تحقيق: جلال الدين محدث ارموى، تهران: انجمن آثار علمي، ١٣٥٥ش.
- فتوح الشام، محمد بن عمرو واقدى، بيروت: دار الجيل، بي تا.
- قرب الإسناد، ابوالعباس عبدالله بن جعفر حميرى، قم: مؤسسة آل البيت، ١٤١٣ق.
- قوت القلوب، ابوطالب محمد بن علي مكى، ضبط و تصحيح: باسل عيون السود، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٧ق.
- الكافي، محمد بن يعقوب كليني، تحقيق: علي اكبر غفارى، تهران: دار الكتب الإسلامية، پنجم، ١٣٦٣ش.
- الكامل في التاريخ، ابن اثير عز الدين أبو الحسن علي بن أبي الكرم جزرى، بيروت: دار صادر، ١٣٨٥ق.
- كتاب العين، خليل بن احمد فراهيدى، قم: هجرت، دوم: ١٤١٠ق.
- كشف الغمة في معرفة الأئمة، علي بن ابي الفتح اربلى، بيروت: دار الأضواء، دوم، ١٤٠٥ق.
- لسان العرب، ابن منظور جمال الدين محمد بن مكرم، قم: نشر أدب الحوزة، ١٤٠٥ق.
- ما وصل إلينا من كتاب مدينة العلم، عبد الحليم عوض الحلبي، مراجعة: مركز إحياء التراث التابع لدار مخطوطات العتبة العباسية المقدسة، كربلا: مكتبة و دار مخطوطات العتبة العباسية المقدسة، ١٤٣٧ق.
- المعجازات النبوية، سيد رضى ابوالحسن محمد بن حسين، تحقيق: طه محمد الزينى، قم: مكتبة بصيرتى، بي تا.
- المخصص، ابن سيده ابوالحسن علي بن اسماعيل اندلسى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، بي تا.



- مستدرک الوسائل، ميرزا حسين نورى، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ١٤٠٨ق.
- المستدرک على الصحيحين، محمد بن عبدالله نيشابورى، تحقيق: يوسف عبدالرحمان المرعشلى، بيروت: دار المعرفة، ١٤١٨ق.
- مستدرکات علم رجال الحديث، نمازى شاهرودى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، ١٤٢٦ق.
- المصنّف، عبدالله بن محمد بن أبى شيبه، تحقيق: سعيد اللحام، بيروت: دار الفكر، ١٤٠٩ق.
- معانى الأخبار، محمد بن على صدوق، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، ١٣٧٩ق.
- المعجم الكبير، سليمان بن احمد طبرانى، تحقيق: حمدى عبد المجيد السلفى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، دوم، ١٤٠٦ق.
- معجم رجال الحديث، ابوالقاسم خويى، مؤسسة الإمام الخويى الإسلامية، پنجم، ١٤١٣ق.
- مقاييس اللغة، ابن فارس احمد بن زكريا، تحقيق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مكتبة الإعلام الإسلامى، ١٤٠٤ق.
- مكارم الأخلاق، حسن بن فضل طبرسى، قم: منشورات شريف رضى، ششم، ١٣٩٢ق.
- من لا يحضره الفقيه، محمد بن على، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، ١٣٩٣ق.
- منازل الآخرة والمطالب الفاخرة، عباس قمى، تحقيق: سيد ياسين موسى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، ١٤١٩ق.
- مناقب آل أبى طالب، محمد بن شهر آشوب سرورى مازندرانى، نجف: المكتبة الحيدرية، ١٣٧٦ق.
- مناقب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام، محمد بن سليمان كوفى، تحقيق: محمد باقر محمودى، قم: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، ١٤١٢ق.
- مناقب على بن أبى طالب عليه السلام وما نزل من القرآن فى على عليه السلام، احمد بن موسى بن مردويه اصفهانى، تحقيق: عبد الرزاق محمد حسين حرز الدين، قم: دار الحديث، ١٤٢٢ق.
- مناقب على بن أبى طالب عليه السلام، ابوالحسن على بن محمد مغازلى، قم: سبط النبى، ١٣٨٤ش.
- المنتظم فى تاريخ الأمم والكلوك، عبدالرحمان بن على جوزى، تحقيق: محمد عبدالقادر

- عطاء و مصطفیٰ عبدالقادر عطاء، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۲ق.
- مہج الدعوات و منہج العبادات، سید بن طاووس، بیروت مؤسسۃ الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۴ق.
- الموطأ، مالک بن أنس، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۶ق.
- نفس الرحمان فی فضائل سلمان، میرزا حسین نوری، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسۃ الآفاق، ۱۳۶۹ش.
- نہج البلاغۃ، تحقیق: محمد عبده، بیروت: دار المعرفۃ، ۱۴۱۲ق.
- النوادر، فضل اللہ بن علی راوندی تحقیق: سعیدرضا علی عسکری، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۷ش.

